

سه پرسش جنگالی

بررسی نرخ بهره، نسبت ضریب جینی با رفاه و ممنوعیت واردات لوکس



به روایت
حسین زمانی میقان



بسم الله الرحمن الرحيم

مرکز مطالعات پیشرفت عماد تقدیم می‌کند:

سه پرسش جنگالی

به روایت حسین زمانی میقان



مرکز مطالعات پیشرفت عماد

عنوان

موضوع جزوه

به روایت

مدیر هنری

ویراستار

سه پرسش جنجالی

بررسی نرخ بهره، نسبت ضریب جینی با رفاه و ممنوعیت واردات لوکس

حسین زمانی میقان

سید علی فقیه

احمد بیاتانی

فهرست

بخش اول:

۱۰ افزایش نرخ بهره در اقتصاد ایران مفید است یا مضر؟ _____

۱۲ مقدمه _____

۱۲ بررسی عمیق‌تر: چرا نرخ بهره در ایران متفاوت است؟ _____

بخش دوم:

۱۶ ضریب جینی چقدر نشان دهنده رفاه است؟ _____

۱۸ مقدمه _____

۱۹ ضریب جینی رفاه را منعکس نمی‌کند _____

بخش سوم:

۲۲ تبیین آیات مربوط به «سکن» _____

۲۴ مقدمه _____

۲۵ واردات کالاهای لوکس _____

۲۷ واردات کالاهای مشابه تولید داخل _____

۲۹ سیاست‌های صنعتی معاصر: شواهد تاریخی و امروزی _____

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

در دنیای امروز، اقتصاد به عنوان یکی از مهم‌ترین علوم اجتماعی انسانی، نقشی اساسی در زندگی روزمره‌ی مردم ایفا می‌کند. فهم صحیح از مفاهیم اقتصادی و تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر جنبه‌های مختلف زندگی، می‌تواند افراد را در تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر و بهره‌وری بهتر از منابع موجود یاری دهد. در این میان، اقتصاد ایران با ویژگی‌های منحصر به فرد خودش، محل بحث و شبهات زیادی است که نیازمند بررسی و تحلیل دقیق می‌باشد.

این جزوه با هدف پاسخ‌گویی به سوالات و شبهات رایج در حوزه اقتصاد ایران برگرفته از دوره پاسخگویی به شبهات اقتصادی استاد زمانی میقان نگارش یافته است. موضوعاتی همچون نوسانات ارز، نقش و تأثیر انرژی بر اقتصاد، سیاست‌های یارانه‌ای و پیامدهای آن، و همچنین چالش‌های مربوط به دستمزدها و بازار کار از جمله مباحثی هستند که در این مجموعه به زبانی ساده و قابل فهم مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

امید است که با مطالعه این جزوه، علاوه بر رفع ابهامات موجود، به درکی عمیق‌تر از وضعیت اقتصادی کشور دست یابید و بتوانید با نگاهی دقیق‌تر به تحلیل مسائل اقتصادی بپردازید. هدف این جزوه ایجاد پلی برای ارتباط بهتر میان دانش اقتصادی، مختصات اقتصاد ایران و عموم مردم است تا با افزایش آگاهی، زمینه بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور فراهم شود.





بَخش اول:

**افزایش نرخ بهره در اقتصاد
ایران مفید است یا مضر؟**

■ مقدمه

نرخ بهره چیست و چه کاربردی دارد؟

یکی از مهمترین ابزارهایی که اقتصاددانان برای کنترل اقتصاد از آن استفاده می‌کنند، نرخ بهره است. نرخ بهره در واقع هزینه‌ای است که برای گرفتن وام پرداخت می‌کنید یا سودی است که برای سپرده‌گذاری پولتان دریافت می‌کنید. بانک‌های مرکزی در دنیا، نرخ بهره را با کم و زیاد کردن پولی که به بانک‌ها می‌دهند (عملیاتی به نام عملیات بازار باز)، کنترل می‌کنند. این کار باعث می‌شود که نرخ بهره برای وام‌ها و سپرده‌های بانکی تعیین شود و روی پولی که بین مردم و بانک‌ها رد و بدل می‌شود، تأثیر بگذارد.

معمولاً در شرایطی که تورم (افزایش قیمت‌ها) زیاد است، کشورها نرخ بهره را بالا می‌برند تا مردم کمتر پول خرج کنند و جلوی تورم گرفته شود. اما در شرایط رکود (وقتی تولید و خرید و فروش کم می‌شود) یا وقتی رشد اقتصادی پایین می‌آید، نرخ بهره را کم می‌کنند تا مردم بیشتر پول خرج کنند و اقتصاد رونق بگیرد.

اما استفاده از نرخ بهره در ایران، داستان متفاوتی دارد و باید خیلی مراقب باشیم. اگر به این نکات مهم توجه نکنیم، ممکن است بالا بردن نرخ بهره باعث شود همزمان هم رکود داشته باشیم و هم تورم، که به آن رکود تورمی می‌گویند.

■ بررسی عمیق‌تر: چرا نرخ بهره در ایران متفاوت است؟

در سال‌های اخیر، برخی از بانک‌ها با اجازه بانک مرکزی، گواهی سپرده با سود ۳۰ درصد فروختند که عملاً نرخ بهره در کشور را به ۳۰ درصد رساند. بالا بردن سود سپرده‌ها همیشه موافقان و مخالفانی داشته، به خصوص در یک دهه اخیر که وضعیت اقتصادی حساس‌تر شده است.

موافقان افزایش نرخ بهره می‌گویند: اگر نرخ سود بانکی نسبت به تورم (که به آن نرخ بهره حقیقی می‌گویند) بالا باشد، مردم کمتر پولشان را خرج می‌کنند و



سرعت گردش پول در بازار کم می‌شود. این کار باعث مهار تورم و ایجاد یک رکود کوتاه‌مدت (که به آن رکود ساختگی می‌گویند) می‌شود و بازارها با ثبات‌تر می‌شوند. اما مخالفان افزایش نرخ بهره معتقدند: با وجود تورم‌های بالا، انتظار مردم برای تورم بیشتر، کمبود تقاضا در کشور و مشکلات مالی بانک‌ها و دولت، افزایش نرخ بهره نه تنها تورم را کنترل نمی‌کند، بلکه در میان‌مدت و بلندمدت کشور را دچار رکود تورمی می‌کند. به زبان ساده‌تر، موافقان فکر می‌کنند تورم از زیاد بودن خرید و فروش (تقاضا) می‌آید، در حالی که مخالفان فکر می‌کنند تورم از مشکلات تولید (عرضه) نشأت می‌گیرد.

نکات مهمی که باید در مورد اقتصاد ایران و نرخ بهره در نظر گرفت:

در حال حاضر، اقتصاد ایران ویژگی‌هایی دارد که سیاست‌گذار پولی باید به آن‌ها توجه کند تا استفاده از ابزارهایی مثل نرخ بهره، مشکلات را بدتر نکند. در ادامه به این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. کمبود تقاضا: مردم و بقیه فعالان اقتصادی عموماً توان و تمایلی برای خرج کردن یا سرمایه‌گذاری ندارند. بنابراین، افزایش نرخ بهره که قرار است تقاضا را کم کند، دیگر کارایی ندارد چون تقاضایی برای کم شدن وجود ندارد.

۲. مشکلات سمت تولید (عرضه): تولیدکنندگان با مشکلات زیادی مثل افزایش هزینه‌ها روبرو هستند. این مشکلات باعث شده که تولید کم شود. در چنین شرایطی، نیاز به حمایت از تولید و تزریق پول هدفمند داریم، نه افزایش نرخ بهره که تأمین مالی تولید را سخت‌تر می‌کند.

۳. عطش تولید برای پول: بحران کرونا، جهش‌های متواتر ارزی و مشکلات بعدی باعث شده که تولیدکنندگان به شدت به پول نیاز داشته باشند تا هزینه‌هایشان را پوشش دهند و دوباره سرپا شوند. اگر سیاست‌های پولی سخت‌گیرانه شوند و نرخ بهره بالا برود، رکود بیشتر شده و تورم نیز ادامه پیدا می‌کند.

۴. بازار دارایی‌ها به جای بازار پول: در ایران، نظارت کافی بر بازارهای سوداگری مثل ارز، سکه، طلا، مسکن و زمین وجود ندارد. این باعث شده که افزایش نرخ بهره نتواند انتظار تورم را کنترل کند، چون مردم به جای بانک‌ها، پولشان را در این بازارها سرمایه‌گذاری می‌کنند و این بازارها به جای نرخ بهره، انتظارات تورمی را تعیین می‌کنند.

۵. خروج کسب‌وکارهای واقعی از چرخه وام: چون سیستم اعتبارسنجی قوی در کشور نداریم، بالا رفتن نرخ بهره باعث می‌شود که کسب‌وکارهای واقعی از گرفتن وام‌های بانکی منصرف شوند. در عوض، افراد پرریسک و سودجو که هدفشان سفته‌بازی در بازارهای دارایی است، در صف دریافت وام می‌مانند.

۶. نیاز به سرمایه‌گذاری: در دهه ۹۰، میزان سرمایه‌گذاری در کشور کمتر از میزان فرسودگی و از بین رفتن سرمایه‌های موجود بود. این موضوع باعث شده که اقتصاد به شدت به پول برای ساختن سرمایه‌های جدید و رونق تولید نیاز داشته باشد. بنابراین، سیاست‌های انقباضی مثل افزایش نرخ بهره، می‌تواند منجر به رکودی شدید شود.

۷. تورم مزمن و انتظارات تورمی بالا: اقتصاد ایران برای مدت طولانی با تورم دو رقمی و انتظارات تورمی بالا روبرو بوده است. متخصصان اقتصاد می‌گویند این شرایط، اثربخشی نرخ بهره را از بین می‌برد.

۸. مشکلات در نظام بانکی: در سیستم بانکی کشور، نظارت کافی وجود ندارد و بانک‌ها به شرکت‌های زیرمجموعه خودشان بدون ضابطه وام می‌دهند. این موضوع باعث می‌شود که افزایش نرخ بهره، مشکلات مالی بانک‌ها را بیشتر کند، چون بازپرداخت وام‌ها برای این شرکت‌ها سخت‌تر و پرهزینه‌تر می‌شود.

۹. عدم کارایی نرخ بهره در ایران: نرخ بهره زمانی مؤثر است که تنها پول ملی و اوراق بهادار مربوط به آن، وسیله‌ای برای ذخیره ارزش باشند. اما در ایران، مردم برای حفظ ارزش پولشان از دارایی‌های دیگری هم استفاده می‌کنند، بنابراین از نظر علمی هم نرخ بهره در ایران به خوبی کار نمی‌کند.



۱۰. لنگر انتظارات، نرخ ارز است نه نرخ بهره؛ در ایران، نرخ بهره تعیین‌کننده اصلی انتظارات مردم درباره تورم نیست، بلکه نرخ ارز (قیمت دلار و سایر ارزها) این نقش را بازی می‌کند. به همین دلیل، افزایش نرخ بهره نمی‌تواند انتظارات تورمی را به خوبی کنترل کند، به خصوص در زمان نوسانات ارزی.

نتیجه‌گیری

با توجه به تمام مواردی که بررسی کردیم، روشن است که در شرایط فعلی اقتصاد ایران، افزایش نرخ بهره نه تنها به کنترل تورم و بهبود وضعیت اقتصادی کمکی نمی‌کند، بلکه می‌تواند مشکلات موجود را تشدید کرده و به رکود تورمی دامن بزند.

ویژگی‌های خاص اقتصاد ایران، از جمله کمبود تقاضا، مشکلات سمت عرضه و تولید، عطش بنگاه‌های اقتصادی به سرمایه در گردش، ناکارآمدی بازار پول به دلیل نقش پررنگ بازارهای دارایی (مثل ارز و طلا) در تعیین انتظارات تورمی، و همچنین مشکلات ساختاری در نظام بانکی، باعث شده است که ابزار نرخ بهره که در بسیاری از کشورهای دنیا کارآمد است، در ایران اثرگذاری خود را از دست بدهد.

در واقع، افزایش نرخ بهره در چنین شرایطی مانند دارویی است که برای بیماری دیگری تجویز شده و نه تنها بیماری اصلی را درمان نمی‌کند، بلکه عوارض جانبی شدیدی نیز به همراه دارد. به جای تمرکز صرف بر افزایش نرخ بهره، نیاز به رویکردی جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تر داریم که شامل اصلاحات ساختاری، نظارت قوی‌تر بر بازارها، حمایت هدفمند از تولید و حل مشکلات نظام بانکی باشد تا اقتصاد ایران بتواند از این چالش‌ها عبور کند.

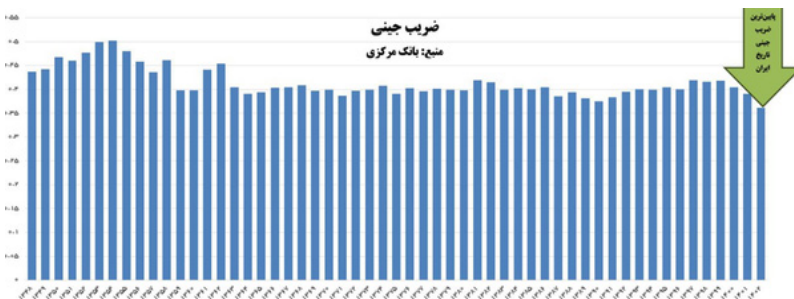


بَخش دوم:

**ضریب جینی چقدر
نشان دهنده رفاه است؟**

■ مقدمه

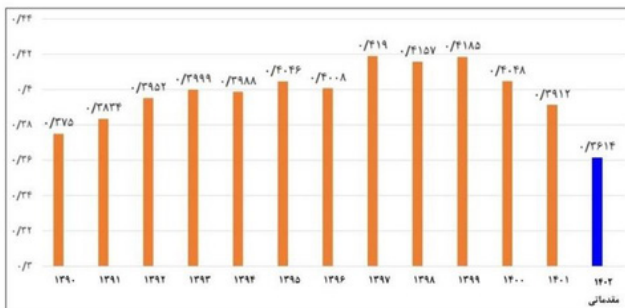
آمارهای ضریب جینی نشان میدهد که نابرابری درآمدی در سال ۱۴۰۲ به کمترین سطح خود از اول انقلاب تا کنون رسیده است. محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی در اجلاس سالانه مجمع عمومی این نهاد گزارشی از وضعیت شاخص‌های کلیدی اقتصاد ارائه داد. طبق گفته‌های فرزین و بر اساس آماری که بانک مرکزی منتشر کرده، ضریب جینی در سال ۱۴۰۲ با رقم ۰٫۳۶۱۴ به کمترین میزان تاریخی خود رسیده است. طبق آمارهای این نهاد، ضریب جینی در طول ۴۶ سال گذشته هیچ‌گاه تا این اندازه کاهش نیافته و آخرین باری که نزدیک به چنین سطحی بود، به سال ۱۳۹۰ بر می‌گردد.



کمیسیون ملی یونسکو ایران

ضریب جینی در مناطق شهری

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



منبع: بانک مرکزی



لازم به ذکر است که در خصوص نحوه توزیع درآمد بین دهک‌های مختلف عموماً از شاخص ضریب جینی استفاده می‌شود، ضریب جینی عددی بین صفر تا یک است. اگر ضریب جینی برابر با صفر باشد، به این معناست که توزیع درآمد کاملاً مساوی است و همه افراد درآمد یکسانی دارند اما در صورتی که ضریب جینی به یک نزدیک‌تر باشد، نشانگر نابرابری اقتصادی بیشتر است.

فرزین این را هم گفت که این تحول مثبت در نتیجه اجرای طرح مردمی سازی یارانه و افزایش یارانه هر فرد در دهک‌های مختلف درآمدی متعاقب حذف ارز ترجیحی برخی از کالاهای اساسی در ابتدای سال ۱۴۰۱، اجرای موفق سیاست تثبیت اقتصادی و مهار رشد بالای قیمت‌ها، تامین ارزاق اساسی معیشتی مردم با اجرای گسترده طرح کالا برگ الکترونیک خانوار و سایر سیاست‌های حمایتی دولت از دهک‌های پایین درآمدی محقق شده است.

■ ضریب جینی رفاه را منعکس نمیکند

اما نکات و ملاحظات در مورد این آمارها وجود دارد که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد و شاید بتوان از زاویه دیگری این نکاتی که در ادامه می‌آید را پاسخی به این شبهه دانست که با وجود کاهش ضریب و رشد برخی متغیرهای اقتصادی اما معیشت مردم به صورت ملموس رشد نمیکند.

کاهش «ضریب جینی» به کمترین مقدار دستاورد بزرگی است، اما اولاً نشانگر اختلاف طبقاتی از حیث «درآمد» است نه «ثروت و سرمایه» و ثانیاً ذاتاً نمیتواند متغیرهای متعدد معیشتی را (مخصوصاً بعد از شوک حذف ارز ترجیحی و جهش دوبرابری ارز) نشان دهد.

از جمله این متغیرهای معیشتی که ضریب جینی توان توضیح آنها را ندارد عبارتند از: ۵ جهش هزینه مصرفی (GCE+PCE) که به معنای هزینه کرد خانوار و دولت برای تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز از بازار است.

۵ رشد شدت مصرف نامکفی خانوار که به معنای قرار گرفتن مصرف خانوار در شرایطی است که نمیتواند همه سبد کالا و خدمات خود را به میزان کفایت از بازار تهیه کند.

۵ جهش نسبت بدهی به درآمد بنگاه و خانوار که به معنای این است که خانوار و بنگاه باید بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف پرداخت بدهی‌ها و دیون خود کنند.

۵ سقوط سهم پس‌انداز در درآمد بنگاه و خانوار که به معنای آن بخش از درآمد خانوار یا بنگاه است که پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری میشود و مازاد بر نیازهای اساسی خانوار است.

۵ شکاف ثروت و درآمد که به معنای شدت کسب ثروت از سرمایه و نه از محل درآمد ناشی از کار و فعالیت مولد می‌باشد.

۵ شکاف تولید و مصرف که به معنای وجود تولید و کمبود مصرف به دلیل فشارهای هزینه‌ای وارد شده بر بنگاه و خانوار می‌باشد.

۵ شکاف درآمد و هزینه که به معنای فزونی یافتن هزینه‌ها نسبت به درآمدها برای مخصوصا خانوار است.

۵ جهش بهره‌انتظاری ناشی از شوک‌های ارزی و هزینه‌ای که به معنای رشد میزان سود و بهره‌مورد انتظار عاملان اقتصادی ناشی از فعالیت اقتصادی خودشان است.

۵ شکاف رفاه به معنای کاهش فاصله غیرفقر از خط فقر می‌باشد و هرچقدر غیرفقر یعنی آنها که بالاتر از خط فقر درآمد دارند به خط فقر نزدیک شوند به معنای بدتر شدن این شاخص است.

بنابراین اگر قصد داریم از ضریب جینی میزان رفاه اقتصادی و وضعیت دهک‌های پایین‌تر درآمدی را نتیجه بگیریم باید حتماً این شاخص مهم را در کنار



شاخص های متعدد دیگر ببینیم چرا ضریب جینی به تنهایی قادر به توضیح وضعیت رفاه و اختلاف میان گروه ها و طبقات مختلف جامعه نیست.

نکته مهم دیگر هم این است که از کاهش ضریب جینی نمیتوان به تجویزهایی مثل حذف دوباره ارز ترجیحی و ... رسید. چراکه ندیدن سایر متغیرهای مهم رفاهی و معیشتی مردم و تفسیر غلط و غیرعلمی ضریب جینی متأسفانه باعث تجویز دوباره «شوک درمانی» و تکرار اشتباه «حذف بدون الگو و بدون لوازم ارز ترجیحی» مبتنی بر توهم تک نرخی کردن ارز می شود و میتواند دولت چهاردهم در معرض کاهش شدید سرمایه اجتماعی قرار دهد و اقدامات خوب دولت را برای مردم غیرملموس و کم اثر می کند.



بَخش سوم:

**ممنوعیت واردات کالاهای لوکس و
مشابه تولید داخل، خوب یا بد؟**

■ مقدمه

یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد کشور، هدررفت منابع ارزی و ضربه به تولید داخلی از طریق واردات بی‌رویه است. متأسفانه، در برخی موارد شاهد واردات کالاهایی هستیم که نه تنها نیاز ضروری کشور نیستند، بلکه در رده کالاهای لوکس قرار می‌گیرند. این امر در حالی رخ می‌دهد که کشور با محدودیت‌های ارزی مواجه است و هر دلار آن باید صرف نیازهای اساسی مردم و توسعه زیرساخت‌ها شود. همانطور که رهبر حکیم انقلاب در دیدار با کارگران در سالهای گذشته به درستی اشاره کردند: «شنیده‌ها حاکی از آن است که تنها برای واردات یک نوع گوشی لوکس آمریکایی در سال ۹۸، حدود نیم میلیارد دلار از منابع ارزی کشور مصرف شده است. اگرچه این واردات توسط بخش خصوصی انجام می‌شود، اما وظیفه دولت است که با تدابیر لازم، جلوی این هدررفت عظیم منابع ملی را بگیرد.»

موضوع حائز اهمیت دیگر، واردات کالاهایی است که مشابه آن‌ها در داخل کشور تولید می‌شود. رهبر انقلاب در همین دیدارهای کارگری، با انتقاد از مکاتبه یکی از دستگاه‌ها برای رفع ممنوعیت واردات کالاهای دارای تولید داخل، این اقدام را انتخابی آسان اما به شدت مضر برای کشور و جامعه کارگری دانستند. ایشان با تأکید بر لزوم ترویج و حمایت از کالای داخلی، فرمودند: «چرا باید ممنوعیت واردات چنین کالاهایی برداشته شود؟ کالای تولید داخل را ترویج کنید، حتی اگر کالایی در داخل کیفیت خوبی ندارد سعی کنید که کیفیت آن را بالا ببرید همچنان که چند سال قبل در پاسخ به کسانی که به کیفیت خودروهای داخلی اعتراض داشتند گفتیم جوان ایرانی که با وجود محاصره علمی و اقتصادی، می‌تواند موشک و محصولی تولید کند که دشمن بگوید به احترام این کار تمام قد می‌ایستم، بنابراین او می‌تواند خودرویی نیز با کیفیت بهتر و مصرف کمتر تولید کند.» این دیدگاه روشن و صریح، بر ضرورت اتخاذ سیاست‌های قاطع برای ممنوعیت واردات کالاهای لوکس و مشابه تولید داخل تأکید می‌کند تا هم منابع ارزی کشور حفظ شود و هم چرخ‌های تولید داخلی با قدرت بیشتری به حرکت درآیند.

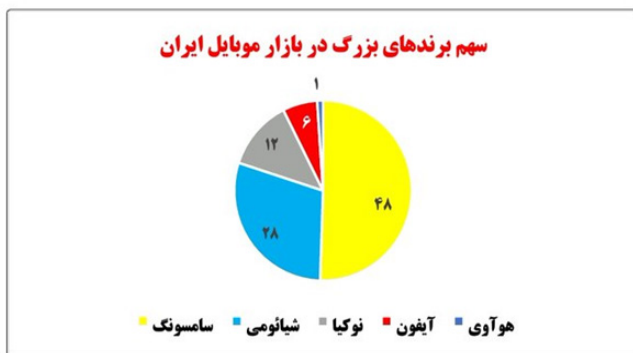


■ واردات کالاهای لوکس

کالاهای لوکس به کالاهایی گفته میشود که جامعه مخاطب آن ها افراد بسیار پردرآمد غالباً ساکن در دهک های ۹ و ۱۰ درآمدی می باشند و از طرفی با افزایش قیمت آن ها لزوماً تقاضا و مصرف برای این کالاها کاهش نمی یابد چرا که دهک های درآمدی بالا اساساً تقاضای شان نسبت به قیمت برای کالاهای لوکس و به اصطلاح برند، کشش پذیر نیست. معنای این جمله این است که هرچه قیمت این کالاها افزایش هم یابد و تعرفه های بالاتری هم برای واردات کالاهای لوکس قرار داده شود بازهم طبقه های پردرآمد به دلیل سطح بالای درآمدی که دارند نسبت به خرید این کالاها اقدام میکنند چرا که سهم این کالاها با هر تعرفه ای به لحاظ هزینه ای در درآمد و هزینه های سرشار آن ها بسیار ناچیز است.

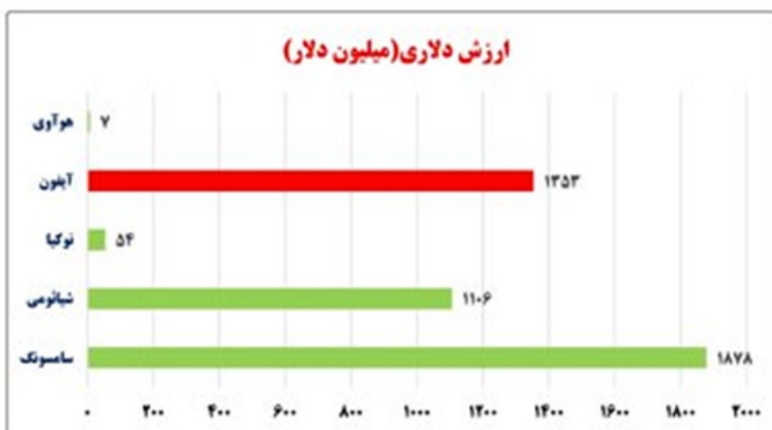
گوشی های آیفون طبق آمارهایی که وجود دارد یکی از کالاهای لوکس محسوب میشود چرا که:

۱. طبق آخرین آمارهای واردات این گوشی تلفن همراه که مربوط به سال ۱۴۰۰ می باشد، از لحاظ تعدادی سهم فقط ۶٪ در بازار تلفن همراه کشور داشته است. یک معنای این آمار این است که تنها ۶٪ مشتریان بازار موبایل توان و تمایل برای خرید گوشی های آیفون را داشته اند و این یعنی طرف تقاضای گوشی های آیفون بسیار محدود و غالباً منحصر در افراد بسیار پردرآمد است.





۲. با وجود اینکه گوشی‌های آیفون سهم ۶٪ در بازار موبایل را دارند اما ارزی آنها بیش از ۱٫۳ میلیارد دلار و در رده دوم تخصیص ارز برای گوشی‌های تلفن همراه بوده است. یعنی با ارزی بسیار بالا اما تعداد بسیار کمتری از گوشی‌های تلفن همراه آیفون وارد کشور شده است در مقایسه با سایر برندهای گوشی تلفن همراه. که این گزاره هم موید لوکس بودن این مدل از گوشی‌های تلفن همراه است





نکته بسیار مهم این است حتی اگر شرایط ارزی فعلی کشور نیز بر کشور حاکم نبود و دسترسی به ارزهای صادراتی و انجام مبادلات ارزی به سهولت صورت میپذیرفت بازهم تخصیص ارز برای واردات کالاهای لوکس با مخاطبین ۶ درصدی آن هم معادل حدود ۱٫۵ میلیارد دلار از حیث اقتصادی صحیح نیست. حال آنکه کشور در شرایط کنونی در مختصاتی قرار گرفته است که چنین ولخرجی های ارزی میتواند باعث عواقب جدی در حوزه ارزی برای کشور شود و هزینه آن را عموم مردم بپردازند در حالیکه فایده آن صرفا نصیب کمتر از ۶ درصد متقاضیان خرید گوشی تلفن همراه میشود.

■ واردات کالاهای مشابه تولید داخل

در بطن بیانات، رهبر انقلاب بر چند اصل راهبردی مهم برای رونق یافتن تولید داخل و حمایت از کار و کارگر و سرمایه ایرانی تأکید دارند که عبارتند از:

۱. لزوم حمایت هدمند دولت از صنایع تولید داخلی

۲. تحدید(محدودسازی)شدید واردات کالاهای مشابه تولید داخل

۳. ارتقا کیفیت تولید کالاهای داخلی مبتنی بر نقشه جامع توسعه صنعتی

۴. اعتماد به جوان مبتکر ایرانی

بر این اساس لازم است تا با بررسی سیر تاریخی توسعه و پیشرفت اقتصادی در کشورهای صنعتی و تولیدکنندگان موفق در دنیا راهبرد تحدید واردات کالاهای مشابه داخل و در کنار آن توسعه صادرات کالاهای با کیفیت تولید ملی در چارچوب نقشه توسعه صنعتی که بارها مورد تأکید رهبر انقلاب قرار گرفته است مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

شروع توسعه اقتصادی دنیا مبتنی بر تولیدات صنعتی و کارخانه ای به قرن ۱۶ الی ۱۸ میلادی بر میگردد. نظریه ای اقتصادی خاصی در اروپا از قرن شانزدهم تا هجدهم رواج داشت و بر اساس دو باور مهم رشد کرد و به امروز رسید. این دو باور عبارتند از:

۱. رشد تجارت و صنعت: آنها معتقد بودند که باید سیاست هایی در دستور کار دولت قرار گیرد که موجب تحریک فعالیت های تجاری و سرمایه گذاری در صنایع داخلی شود. از این رو دولتها باید با جمع کردن ذخائر مالی برای حمایت از صنایع داخلی و توسعه صادرات از این ذخائر استفاده کنند.

۲. حمایت گرایی: آنها معتقد بودند که باید دولتها نقش فعالی در اقتصاد داشته باشند و با وضع مقررات و سیاست های حمایتی سعی کنند صنایع داخلی را در برابر رقابت خارجی محافظت کنند. این سیاست ها شامل محدودیت های تجاری مخصوصاً بر واردات کالاهای مشابه تولید داخل، یارانه ها و امتیازات انحصاری به تولیدکنندگان داخلی مخصوصاً برای رشد تراز تجاری کشور بود.

■ سیاست های صنعتی معاصر: شواهد تاریخی و امروزی

برخلاف دیدگاه رایج لیبرالیستی که محورهای ایده توسعه گرایی را متعلق به گذشته و منسوخ می داند، اما بسیاری از کشورهایی که طی دهه های اخیر به دستاوردهای صنعتی و تجاری قابل توجهی رسیده اند، دقیقاً بر آموزه ها و سیاست های توسعه تکیه کرده اند.

در این رابطه، سه الگوی راهبردی را می توان مورد بررسی قرار داد:

آلمان و ژاپن: صادرات محوری، حمایت دولت و سیاست های ارزی

در نیمه دوم قرن بیستم، آلمان غربی و ژاپن با تکیه بر استراتژی «صادرات محوری» و اجرای برنامه های صنعتی بلندپروازانه و همزمان تحدید شدید واردات به صورت مستقیم و همچنین با ابزار تعرفه به صورت غیرمستقیم، به قدرت های اقتصادی جهانی بدل شدند. دولت در این کشورها از طریق ایجاد «بانک های توسعه»، اعطای تسهیلات ارزان، کنترل ارز برای پایداری رقابت قیمتی، مداخله مستقیم در تعیین اولویت صنایع و حتی گاهی با تشکیل کارتل های تحت حمایت دولت، بستری فراهم ساخت تا شرکت های داخلی بتوانند با حمایت همه جانبه به



بازارهای جهانی نفوذ پیدا کنند. این رویکرد اهرم مهمی برای رشد تولید ناخالص داخلی، اشتغال و ارتقا موقعیت ارزهای ملی شد

سیاست حمایت از شرکت‌های داخلی، نقشی کلیدی در موفقیت نظام صنعتی آلمان (مدل «اقتصاد اجتماعی بازار») و شکوفایی شرکت‌های ژاپنی در حوزه‌های الکترونیک و خودروسازی ایفا کرد. تا زمانی که صنایع کلیدی به بلوغ و برتری فنی دست یافتند، دولت با ابزار محدودسازی هدفمند واردات بازارهای داخلی را از رقابت زود هنگام خارجی مصون داشت و تنها پس از تثبیت جایگاه جهانی بود که سیاست تجارت آزاد و رفع موانع وارداتی اتخاذ شد

چین: نمونه معاصر توسعه گرایی و حمایت هدفمند از صنایع ساخت محور داخلی

مطالعه سیاست‌های اقتصادی چین طی چهار دهه اخیر مثال آموزنده‌ای از مرکانتیلیسم در عصر جهانی‌شدن است. دولت چین، همانند مرکانتیلیست‌های کلاسیک اروپایی، استراتژی ذخیره‌سازی ارزی، کنترل ارزش پول ملی و حمایت از صنایع نوپا را دنبال کرده است. اتخاذ سیاست ارزی هدفمند به منظور حفظ مزیت صادراتی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی تنها در بخش‌های هدفمند و الزام شرکت‌های خارجی به انتقال فناوری، همگی مصادیق عملی رویکرد توسعه گرایی مدرن چین برای ایجاد بالندگی در صنایع تولید داخلی این کشور هستند

علاوه بر این، دولت چین توسعه زیرساخت‌های پیشرفته، ایجاد مناطق آزاد تجاری با محدودیت کنترل شده، و حمایت از شرکت‌های ملی در عرصه دانش بنیان را در دستور کار قرار داده است. نتیجه این سیاست‌ها رشد پرشتاب صادرات، تبدیل چین به بزرگترین صادرکننده جهان و دستیابی به ذخایر ارزی کم‌نظیر بوده است.

کره جنوبی و تایوان: موفقیت با سیاست‌های صنعتی دولتی و حمایت‌گرایی

در دهه‌های پایانی قرن بیستم، کره جنوبی و تایوان مسیر صنعتی شدن را



با اتکای فراوان به دولت طی کردند. سیاست‌های توسعه‌ای این کشورها که با عنوان «سیاست‌های توسعه دولت‌محور» شناخته می‌شود، جلوه‌ای مدرن از مرکانتیلیسم به‌شمار می‌آید. دولت با اعطای معافیت‌های مالیاتی، حمایت اعتباری هدفمند، کنترل شدید واردات رقابتی و حتی اعمال محدودیت شدید در فعالیت شرکت‌های خارجی تا زمان بلوغ صنایع ملی، بستر لازم برای تولد غول‌های صنعتی و فناوری را فراهم کرد.

تمرکز بر صادرات کالاهای با فناوری پیشرفته و تشویق سرمایه‌گذاری داخلی، ضمن جهش درآمد سرانه و کیفیت زندگی، جایگاه این کشورها را از اقتصادهای وابسته به کشاورزی و صنایع سبک به اقتصادهای دانش‌بنیان و صنعتی ارتقا داد.

پذیرش تدریجی بازار آزاد پس از توسعه

تحلیل کلیدی پژوهشگران دیگری چون رودریک و چانگ این است که کشورهای مذکور، هرگز در ابتدای مسیر توسعه و پیش از توانمندسازی صنایع ملی، دست به دامن بازار آزاد و تجارت بی‌قید و شرط و باز کردن دربهای واردات کالاهای مشابه تولید داخل نشدند. بلکه سیاست‌های بازار آزاد، حداقل تا زمانی که شرکت‌ها و صنایع داخلی به توان رقابت جهانی رسیده بودند، تعلیق شد.

فقط پس از تثبیت مزیت رقابتی، دولت‌ها با تدوین مقررات و بازنگری سازوکارها، دروازه‌های اقتصاد خود را برای رقابت خارجی و واردات کالاهای مشابه داخلی گشودند تا از منافع مکملی که اقتصاد جهانی به ارمغان می‌آورد نیز بهره‌مند شوند. این تجربه تاریخی-معاصر برخلاف آموزه‌های کلاسیک نئولیبرالیستی تجارت آزاد، نشان می‌دهد که یک دوره بلند از مداخله، حمایت و حتی رویکردهای انحصاری، نه تنها مغایر توسعه نبوده بلکه شرط لازم جهش اقتصادی و فناورانه در عصر مدرن است.



۳۱

بخش سوم: ممنوعیت واردات کالاهای لوکس و مشابه تولید داخل، خوب یا بد؟

نرخ بهره چیست و چگونه بر زندگی و اقتصاد ما تأثیر می‌گذارد؟ این ابزار کلیدی بانک‌های مرکزی می‌تواند تورم را مهار کند یا اقتصاد را رونق دهد، اما در ایران استفاده نادرست از آن ممکن است هم‌زمان رکود و تورم ایجاد کند؛ همان پدیده‌ای که به آن رکود تورمی می‌گویند. در کنار آن، کاهش نابرابری درآمدی در سال ۱۴۰۲ به کمترین سطح تاریخی خود رسیده و نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی اثرگذار بوده‌اند. با این حال، هدررفت منابع ارزی و واردات بی‌رویه کالاهای غیرضروری و لوکس همچنان یکی از چالش‌های جدی اقتصاد کشور است که توسعه تولید داخلی و مدیریت صحیح منابع را تهدید می‌کند. این مطالعه با نگاهی تحلیلی، سه پرسش جنجالی اقتصاد ایران — از نرخ بهره گرفته تا عدالت درآمدی و مدیریت منابع ارزی — را باز می‌کند و نشان می‌دهد که تصمیمات کلان اقتصادی چگونه مستقیماً بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارند.

